### **روش کشف معارف (2)**

### ارزش روایات / رویکردهای کلی عالمان شیعه و مشکلات روایات

بسم الله الرحمن الرحیم

### ب: روایات

عبارتی که از معصوم نقل شده برای اینکه واقعیت را به شکل قطعی به ما نشان دهد باید حدأقل از دو جهت قطعی باشد:

1. استناد آن به معصوم قطعی باشد (قطعیت سند)
2. دلالت آن بر مقصود گوینده قطعی بوده و عبارت چند پهلو نباشد (قطعیت دلالت)

چنین عبارتی برای کشف حقیقت حتماً مفید است، ولی آیا خبر ظنّی نیز (یعنی خبری که از این دو جهت قطعی نیست، بلکه گمان ما بر آن است که این عبارت از معصوم بوده یا مقصود از آن چنین وچنان است) مفید است یا نه؟

بیشتر دانشمندان شیعه بر این اعتقادند که در مسائل عملی و رفتاری (باید و نبایدها) خبر ظنّی با رعایت شرائطی ـ که به آن شرائط حجیت خبر گویند ـ ارزشمند می‌باشد و این خبر اگر چه واقعیت را به شکل کامل به ما نشان نمی‌دهد ولی ما وظیفه داریم بر طبق آن عمل نمائیم و از این رو فقها بر طبق چنین خبری فتوی می‌دهند.[[1]](#footnote-1)

ولی دربارة استفاده از چنین روایتی در مسائل اعتقادی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

**دیدگاه نخست**: عدّة کمی بر این باورند که در مسائل اعتقادی نیز ما وظیفه داریم چنین خبری را بپذیریم و قلباً به آن معتقد گردیم، اگر چه نمی‌دانیم که این خبر راست است یا نه؟ این گروه معتقدند در پذیرش قلبی یک مسأله نیازی به یقین داشتن به آن نیست . بنابراین در بحث‌های اعتقادی با یافتن چنین روایاتی وظیفه ما روشن گردیده و معلوم می‌شود یک شیعة مؤمن باید به چه چیزی اعتقاد ورزد. از این نظر به «حجّیت ظنّ در اصول عقاید» تعبیر می‌شود.

نظریه دوم: امّا بیشتر دانشمندان شیعه با این نظر مخالفند و معتقدند در مسائل اعتقادی تا چیزی به حدّ یقین نرسد، نمی‌توان آن را به عنوان یک عقیده پذیرفت و جزء باورهای دینی قرار داد.[[2]](#footnote-2)

از دیدگاه این بزرگان روایات ظنّی در مسائل اعتقادی بی‌ارزشند و در این مباحث فقط دلیل قطعی عقلی یا آیات و روایات قطعی به کار می‌آید. صاحبان این نظر در عمل به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

**1. عقل گرایان افراطی**؛ بیشتر بزرگان شیعه از قرن پنجم تا یازدهم، به طور کلّی روایات اعتقادی را رها نموده و بهائی به آن نداده و در کتاب‌های کلامی خود استنادی به این روایات نجستند.[[3]](#footnote-3) در برخی موارد نیز که در تفسیر یا کلام، روایات معصومین علیهم‌السّلام را نقل کردند، آن را در کنار کلمات غیر معصومین آورده و ارزش هر دو را مساوی پنداشتند، چون هیچ یک یقینی نبوده و ایشان در مسائل اعتقادی یقین را لازم می‌شماردند. [[4]](#footnote-4)

این بزرگان نه فقط در مسائل اعتقادی به روایات کم‌مهری نموده و به آن نمی‌پرداختند، بلکه بسیاری از مسائلی را که در روایات مورد تأکید بود، به شدّت انکار می‌نمودند؛ چنانکه نسبت به علم امام علیه السلام به همه چیز، ولایت تکوینی،‌طی الأرض، خلقت بهشت و جهنّم، عالم ذرّ و .... انکارهای شدیدی نموده‌اند[[5]](#footnote-5).

**2. اخباریان**؛ در قرن یازدهم که در اثر تشکیل حکومت شیعی صفوی دانشمندان شیعه آرامشی نسبی یافتند زمینه‌ای شکل گرفت که عالمان شیعی به جمع‌آوری مجموعه احادیث شیعه و بررسی و تحقیق پیرامون آن بپردازند و منجرّ به نهضت حدیث‌گرائی شیعی شد. از آن پس دائرة المعارف‌هاى بزرگ روایی چون بحارالأنوار و وافی و وسائل الشیعه و عوالم تألیف شد و شرح‌های فراوانی بر روایات نگاشته شد.

جریانی از عالمان شیعی علی‌رغم محبّت به أهل بیت علیهم السّلام و تلاش در کارهای روائی، از دقّت نظر کافی برای فهم روایات برخوردار نبودند و به جای تحلیل‌های دقیق و فهم عمیق روایات، برداشت‌هایی سطحی از روایات نموده و نظامی فکری ساختند که به نام «مکتب اخباری‌گری» معروف شد. ریشه أخباری‌گری «توجه زیاد به روایات بدون دقّت نظر در فهم آن» بود که سبب شد از روایات نتائجی غلط بگیرند؛ چون: بی‌اعتباری عقل، تحریف و بی‌اعتباری قرآن، بی‌اعتباری نظر غیر معصوم (= بی‌اعتباری تقلید و بی‌اعتباری اجماع علما) و ...این تفکّر غلط سبب شد که این دانشمندان از بحث‌های عقلی‌ روگردان شده و علوم عقلی چون فلسفه، کلام و اصول در جهان شیعه ضعیف گردد و در عوض بحث‌های روایی بسیار رواج یافت و به برکت آن دائرة المعارف‌های روائی و تفاسیر روائی فراوانی به دست اخباریان تألیف شده و نکته‌های حدیث شناسی ارزشمندی کشف گردید.

در قرن سیزدهم وحید بهبهانی و شاگردانش تلاش زیادی برای مبارزه با اخباریان نمودند و جریان اخباری‌گری را شکست دادند، گرچه رسوبات این جریان در بسیاری از حوزه‌های شیعی هنوز هم پابرجاست و شیخیه کریمخانیه این روش را پس از قرن سیزدهم استمرار بخشیدند.

وحید بهبهانی تلاش کرد با بحث‌های اصولی نشان دهد که روایات ما قطعی نیست و نباید زودباورانه آنها را پذیرفت و به عنوان حکم و عقیده قطعی دین معرفی نمود.

**3. عقل گرایان اعتدالی**؛ در کنار جریان اخباری‌گری جریان دیگری نیز شکل گرفت که در عقاید علم و یقین را لازم می‌شمرد و در عین حال روایات را نیز یقینی تلقّی نمی‌کند. ولی با این وجود معتقد است باید از قرآن و روایات به عنوان یک منبع معرفتی حداکثر استفاده را نموده؛ زیرا:

**اولاً:** گاهی با جمع‌آوری مجموعه‌ای از روایات ظنّی می‌توانیم نهایتاً به واقع یقین کنیم و **ثانیاً** در درون روایات گاه نکات و استدلال‌هایی عقلی آمده که با توجّه به‌آن می‌توان برهان عقلی یقین‌آور تولید نموده یا اشتباهات برخی استدلال‌ها را کشف نمود و **ثالثاً** ظنّ و گمان به واقع ـ گرچه کافی نیست ـ ولی از جهل و بی‌اطلاعی بهتر است و چه بسا کشف و شناخت حقیقت به شکل ظنّی انسان را از بسیاری از خطرات نجات دهد.

جلودار این جریان در شیعه مرحوم صدرالمتألّهین شیرازی بود که برای اوّلین بار اقدام به بررسی و شرح روایات اعتقادی نمود و حکیمان صدرائی تا به امروز این جریان را امتداد بخشیده و آثاری گرانقدر در تفسیر قرآن و روایات پدید آورده‌اند[[6]](#footnote-6).

پس از این مقدّمه جا دارد اشاره ای شود به رویکرد های مخالفان حکمت و عرفان در باب روایات:

#### رویکرد دو‌گانة مخالفان روش ملاصدرا

**الف) رویکرد اوّل :**

رویکرد اوّل مخالفان روش ملاصدرا (رویکرد برخی شیخیه کریمخانیه و تفکیکیان) همان رویکرد اخباریان است. بیشتر ایشان معتقدند که ظنّ و گمان در عقاید کافی نیست و باید به دنبال یقین رفت؛[[7]](#footnote-7) در عین حال از خواندن چند روایت فوراً یقین نموده و آن را به عنوان یکی از عقاید قطعی شیعه معرّفی می‌کنند؛ چنانکه در آثار غالب ایشان بحث‌های عمیق و تحلیلی ـ بجز برخی از آثار خود مرحوم میرزای اصفهانی ـ به چشم نمی‌خورد. در مواجهه با آثار عقایدی تفکیکیان آدمی گمان می‌کند با یک کتاب حدیث روبرو است، نه یک کتاب کلام. در هر باب در آغاز ادعائی مطرح می‌شود و سپس چند آیه و مجموعه‌ای روایت نقل می‌شود بدون اینکه سند و دلالت این ادلّه بررسی شود آنگاه فوراً ادّعا می‌شود که این آیات و روایات به وضوح کامل مدّعای ما را بیان می‌کند و مخالفین ما مخالف مکتب اهل بیت علیهم السّلام می‌باشند.

علامه طباطبائی در المیزان گاهی در بررسی دو آیه حدود بیست صفحه تحقیقات دقیق علمی می‌نماید تا معنای آیه را به دست آورد ولی در آثار تفکیکیان فقط بیست آیه و روایت در دو صفحه نقل شده[[8]](#footnote-8) و ادّعا می‌شود که نظر ملاصدرا و علامه طباطبائی خطاست.[[9]](#footnote-9).

**ب) رویکرد دوّم:**

 در نسل سوم جریان تفکیک با کسانی مواجه می‌شویم که تمایل زیادی به نظریه اول درباره روایات ظنّی (حجّیت ظنّ در عقاید) دارند و معتقدند که برای اعتقاد به چیزی دلالت یا سند ظنّی نیز کافی است.[[10]](#footnote-10) برخی از تفکیکیان نسل سوّم نیز در این مسأله متردّد می‌باشند و نظرات متضادّی ابراز می‌کنند.[[11]](#footnote-11)

#### نقد و بررسی:

بحث از حجّیت یا عدم حجّیت ظن در عقاید بحثی است تخصّصی و قول حق که بیشتر اصولیان به آن اعتقاد دارند عدم حجّیت می‌باشد. در این باره باید به کتب تخصّصی علم اصول مراجعه نمود.[[12]](#footnote-12)

مخافان ملاصدرا بسان اخباریان معتقدند «راه ما راه اهل بیت علیهم السلام است، ما اعتقادات خود را فقط از معصوم می‌گیریم که سخنش عین حق و علمش نامتناهی است. و به محضر غیر معصوم نمی‌رویم» ولی حقیقت این است که ایشان به محضر «روایات» می‌روند نه «معصومین» و میان روایت از معصوم و خودِ معصوم فرسنگ‌ها فاصله است.

 اشکال أصلی این فکر بی‌دقّتی در روایات است که سبب می‌شود همه چیز را قطعی و عین حقیقت بپندارند و با دیدن چند روایت گمان می‌کنند که به محضر معصوم رسیده‌اند. در اینجا برای روشن شدن این مطلب مروری می‌کنیم بر مشکلات مهمّ روایات اعتقادی که سبب شده عالمان محقّق شیعه به این روایات به دید عصمت نظر ننمایند.

### مشکلات روایات اعتقادی:[[13]](#footnote-13)

1. ظنّی بودن سند؛ در عصر أئمه علیهم‌السلام به علل مختلف عدّه‌ای به جعل حدیث بر طبق خواسته‌های خود پرداختند و بسیاری از این احادیث به کتب حدیثی ـ به ویژه غیر از کتب اربعه ـ راه یافت.

2. خطا در فهم راوی؛ مباحث اعتقادی بسیار عمیق است و بارها تجربه شده که یک بحث اعتقادی در فضائی مطرح می‌شود و مخاطبین برداشت‌هائی غلط می‌نمایند. از سوئی می‌دانیم که راویان در غالب موارد عین کلمات امام را نقل نمی‌کردند. بنابراین درصد احتمال خطا در فهم راوی به کل روایت سرایت می‌کند.[[14]](#footnote-14)

3. خطا در نقل روایت. بر فرض که راوی مطلب را صحیح بفهمد، در مقام انتقال آن گاه دچار خطا می‌شود. بارها دیده‌ایم که شخصی سخنی می‌گوید و پس از تحقیق معلوم می‌شود که مقصود را نتوانسته‌به خوبی منتقل کند. این احتمال در بحث‌های پیچیده چون اعتقادات بیشتر است.

4. اختلاف سطح راویان؛ چون برخی مسائل اعتقادی سخت است، أئمه علیهم السلام در پاسخ سؤال اشخاص مجبور می‌شدند متناسب با سطح فهم راوی سخن گفته و حقیقت را بی‌پرده بیان ننمایند. از این رو گاه در جواب یک سؤال به دو نفر دو مطلب متفاوت با سطوح علمی مختلف گفته شده است. بنابراین نمی‌توان روایتی را که در خطاب به یک شخص عادی بیان شده معیار عقیدة شیعه قرار داد.[[15]](#footnote-15)

5. اختلاف نسخ خطّی؛ کتاب‌های حدیث به علّت کمبود امکانات نگارش و نگاه‌داری در طول زمان، دارای مشکلات فراوانی گشتند و سبب شد عبارت یک حدیث گاه به چند شکل که هر یک معنائی متفاوت داشت قابل خواندن شود. و ألفاظ أصلی روایت قابل شناخت نباشد.

6. ابهام مفهومی روایت؛ معنای دقیق بسیاری از کلمات و جملات به کار رفته در احادیث، امروزه برای ما مجهول است و نمی‌دانیم این کلمه در عصر روایت، به چه معنا به کار می‌رفته است،

7. از دست رفتن بسیاری از روایات و قرائن؛ مقصود بسیاری از روایات چیزی غیر از ظاهر آن است که به وسیلة روایات دیگر فهمیده‌می‌شود و به تعبیری گاهی قرائن یک روایت در روایات دیگر آمده است؛ از سوئی می‌دانیم حجم بسیار زیادی از روایات از دست رفته است و در نتیجه نمی‌توانیم از یک یا چند روایت یقین کنیم که مقصود امام علیه السلام همان ظاهر روایت است.[[16]](#footnote-16)

8. احتمال تقیه؛ به علّت رواج بحث‌های کلامی و توجّه حکومت بنی العباس به این بحث‌ها، گاه أئمه علیهم السلم به خاطر تقیه از خلفا نمی‌توانستند حقیقت مطالب را بیان نمایند.

9. بسیاری از روایات با یکدیگر تعارض دارند و دلیل قطعی و ترجیح دادن یکی بر دیگری نیز وجود ندارد.

توجّه به این امور سبب می‌شود که انسان بر خلاف اخباریان و تفکیکیان و شیخیه در یک بحث پیچیدة عقلی به سختی بتواند از راه روایات به یقین برسد.

با این همه با رعایت روش صحیح تحقیق می‌توان از آیات و روایات استفاده‌های ارزشمندی نمود که به اختصار به این روش اشاره می‌کنیم:

1. . این بحث در کتاب‌های اصولی با عنوان «حجیّت خبر واحد» مطرح می‌شود. [↑](#footnote-ref-1)
2. . رک: صراط مستقیم، ص 39 ، 43؛ و بنیان مرصوص، ص 352 ـ 356 [↑](#footnote-ref-2)
3. رک: صراط مستقیم، ص 44 ـ 41. [↑](#footnote-ref-3)
4. رك: مقدمة علامه شعراني بر تفسير منهج‌الصادقين، ج1،‌ص 25 [↑](#footnote-ref-4)
5. . به عنوان نمونه رک: خاتمة مستدرك الوسائل، ج‏4، ص218. [↑](#footnote-ref-5)
6. . تفاوت این مکتب با اخباریان در این است که این گروه به جهت روحیّه دقّت و عقلگرائی به تحلیل و بررسی عمیق روایت می‌پردازند و نکاتی دقیق از روایات استفاده می‌کنند ولی اخباریان فقط به نقل احادیث بسنده می‌نمودند و به ندرت دربارة یک حدیث به بررسی علمی می‌پرداختند علاوه بر این ـ بر خلاف اخباریان - این گروه مفاد روایات را به راحتی باور ننموده و گاهی به عنوان یک احتمال قوی معرفی می‌کنند نه عقیدة مسلّم شیعه. [↑](#footnote-ref-6)
7. . رک: علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک، ص 182-185؛ علامة مجلسی اخباری یا اصولی، ص249 [↑](#footnote-ref-7)
8. براي نمونه در كتاب تنبیهات حول المبدأ و المعاد با آنكه 265 صفحه بيش نيست، 370 آيه و 420 روايت به كار گرفته شده‌است! [↑](#footnote-ref-8)
9. براي نمونه رک: المیزان، سوره بقره، آیات 259 و 260، ص 358 - 377 و مقایسه کنید با تنبیهات حول المبدأ و المعاد، ص208 -210 و میزان المطالب، 377-379 [↑](#footnote-ref-9)
10. .رک: نگاهی به مکتب تفکیک، ص 30 -33و ص 281؛ و صراط مستقیم، ص 41 و 310 [↑](#footnote-ref-10)
11. رک: سخنان آیةالله حاج شیخ مهدی مروارید، نشست تخصصی پنجم و ششم مدرسه دینی حضرت ولی‌عصر عجّل‌الله‌فرجه‌الشریف [↑](#footnote-ref-11)
12. . رک: صراط مستقیم، ص 39-42. [↑](#footnote-ref-12)
13. در بیشتر این موارد از آثار وحید بهبهانی در ردّ اخباریان استفاده شده‌است. رک: الرسائل الاصولیّه، ص16 -36 و ص 472 -475 [↑](#footnote-ref-13)
14. . رک: صراط مستقیم، ص87-92 [↑](#footnote-ref-14)
15. . رک: همان، ص62 - 72 [↑](#footnote-ref-15)
16. . رک: همان، ص93 - 97 [↑](#footnote-ref-16)